



از من پرس

مراقب پوستتان باشید



اگر شما هم دوست دارید هنگام سفر هوایی کنار پنجره بنشینید و از آن بالا ابرها را ببینید و وقتی هم هواپیما ارتفاعش کم می‌شود شهر را از بالا تماشا کنید، بهتر است مراقب سلامت پوستتان باشید. تنها کافی است از کرم ضدآفتاب استفاده کنید تا نور آفتاب و اشعه‌ای که احتمالاً در آن ارتفاع بالا به پوستتان می‌تابد، برایتان دردسر درست نکند. شاید با خودتان بگویید پنجره هواپیما ضخیم است و نور خورشید آنقدرها هم نمی‌تواند پوست را اذیت کند ولی بهتر است بدانید یکی از اشعه‌های خطرناک نور خورشید، ماورای بنفش است که خیلی راحت می‌تواند از پنجره هواپیما عبور کند و چون شما هنگام پرواز در ارتفاع بالاتری قرار دارید و به لایه اوزون نزدیک‌ترید، خطرناک‌تر است. پس این دفعه که همراه خانواده راهی یک سفر هوایی کوتاه یا بلند هوایی شدید حتماً به مادرتان یادآوری کنید که کرم ضدآفتاب را فراموش نکنید. البته یک موضوع دیگر را هم نباید فراموش کنید، دقیقاً نیم ساعت قبل از سوار شدن به هواپیما، این کرم را به پوستتان بزنید تا بتواند در سفر از پوستتان محافظت کند.

کلیه‌تی

کفش‌دوزک‌های کاغذی رنگارنگ سه‌بعدی



با ساده‌ترین ابزار می‌توانید کفش‌دوزک‌های سه‌بعدی بسازید. ابتدا روی کاغذ رنگی قرمز یک دایره بکشید و با قیچی کاغذ بر آن را ببرید. بعد دوباره ۳ دایره دیگر روی کاغذ رنگی قرمز بکشید و با قیچی تان ببرید. بعد آنها را از وسط به دو قسمت تقسیم کنید. روی هر ۳ دایره تقسیم شده، با ماژیک سیاه دایره‌های کوچک بکشید درست مثل دایره‌های سیاه پشت کفش‌دوزک‌ها. بعد همه دایره‌های قرمز را که رویشان نقطه‌های سیاه کشیده‌اید، روی کاغذ کنار هم و مثل بال‌های کفش‌دوزک بچسبانید. بعد یک مثلث بکشید که یک طرفش منحنی باشد و سر کفش‌دوزک را با آن بسازید. دو شاخک کفش‌دوزک را از مقوا ببرید و با ماژیک سیاه رنگ کنید و روی سر کفش‌دوزکتان بچسبانید. با کاغذهای رنگی دیگر هم چند کفش‌دوزک بسازید. این‌طوری چند کفش‌دوزک رنگی دارید.

دلم برف می‌خواهد!



راضیه خوثینی / مترجم

یک روز پسر کوچکی به نام سام، به باغی رفت. یک بوته گل رز پیر و پژمرده در باغ دید. نزدیک بوته رفت و پرسید:
من دنبال برف می‌گردم، تا به حال آن را ندیده‌ام. برای زمستان برف لازم است. تو برف را ندیده‌ای؟
رز پیر گفت: کوچولو برو از باد بپرس. باد برف را می‌آورد.
سام پرسید: باد کجاست؟ کجا می‌توانم او را ببینم؟

او نفس عاشقانه طبیعت است. ولی من نمی‌دانم که از کجا می‌آید. برو از آب بپرس. شاید او بداند.

پسر گفت: ممنون آقای درخت. متشکرم. سام به حوض یخ زده نزدیک شد و از او پرسید: من دنبال برف می‌گردم، تا به حال آن را ندیده‌ام. برای زمستان برف لازم است. تو برف را ندیده‌ای؟ آهای آب! آهای! من به دنبال برف می‌گردم!

یک قورباغه سبز که روی سنگی نشسته بود، گفت: قور... قور... آب نمی‌تواند جواب شما را بدهد چون سردش شده و بعد هم یخ زده. مثل آهن سفت شده است، پس نمی‌تواند با تو حرف بزند! اما من می‌دانم که اگر حالتش خوب بود به تو چه جوابی می‌داد. می‌گفت که از باد بپرس. فرزندم برو از باد بپرس. باد همان کسی است که برف را می‌آورد.

پسر گفت: بله! رز پیر و بید لرزان هم به من همین را گفتند. اما باد کجاست؟

قورباغه پاسخ داد: اگر آب بود به تو می‌گفت که در بهار باد او را نوازش می‌کند و در تابستان برایش موج درست می‌کند. او

می‌کوبد و رعد و برق به وجود می‌آورد. همه موجودات توی جنگل از این صدا به وحشت می‌افتند. آسمان از ترس می‌لرزد. سپس باد با خودش سرمای سوزناکی می‌آورد. او درها را به هم می‌کوبد و به رهگذران سیلی می‌زند. او به چترهای مردم توی کوچه و خیابان ضربه می‌زند و چترشان را برمی‌گرداند.

قورباغه ادامه داد: پسر عزیزم باید این همه اتفاق بیفتد. بعد از این همه ماجرا، وقتی که بالاخره باد آرام گرفت و شب شد، برف سفیدی می‌آید. البته باز هم اگر ببارد! چون هیچ کسی نمی‌تواند ابرها را مجبور کند که برف درست کنند؛ حتی تندباد با آن همه قدرتش.

پسر پرسید: باز هم او مثل عشق است و همه دوستش دارند؟

قورباغه گفت: بله سام. او مثل عشق است و دوست داشتنی است. چون طبیعت به او نیازمند است.

قصه‌های دنیا را به گوش همه می‌رساند. او نفس عاشقانه طبیعت است. ولی نمی‌دانم باد کجاست و از کجا می‌آید. اصلاً برو از گاو بپرس. چون گاو من را با بو قلمون‌ها آشنا کرد. او درباره اسب‌ها هم با من خیلی حرف زده است، پس شاید بداند باد کجاست. **سام با عصبانیت فریاد زد:** او هم نمی‌داند. من هرگز برف را پیدا نخواهم کرد. هرگز! قورباغه، قورقوری کرد و گفت: عصبانی نشو کوچولو! به جایش به حرف‌های من خوب گوش بده. درباره باد رازهایی وجود دارد که آن را از تو پنهان کرده‌اند. تو نمی‌دانی! باد شب‌ها بلند می‌شود و شروع به وزیدن می‌کند. ابرهای سنگین را که پر از باران هستند، محکم هل می‌دهد. آن وقت کمی ترسناک می‌شود.

باد از لابه‌لای شاخه‌های درختان با شدت می‌گذرد و همه برگ‌های زرد و پژمرده را می‌گند. برگ‌ها روی زمین می‌ریزند. با صدای بلندی غرش می‌کند و ابرهای سیاه را به هم

رنگ تفریح

۷ کلمه را در جدول پیدا کنید

ح	گ	م	خ	پ
ش	ز	ا	ب	ی
ل	ن	ه	ن	گ
د	ر	ی	ا	ن
م	ی	گ	و	س

دریا

ماهی

آب

نهنگ

آبی

میگو

سنگ

جوجه تیغی را به خورشید برسانید

